

دوره ششم تقنینیه

مذاکرات مجلس

شماره

۲۲۷

جلسه

۲۶۲

قیمت اشتراك

داخله ايران ساليانه ده تومان

خارجه « دوازده تومان »

قیمت تک شماره

يك قران

مندرجات

فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی

خواهد بود

پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در يك شماره منتشر میشود.

مطبعة مجلس

تاریخ تاسیس آذر

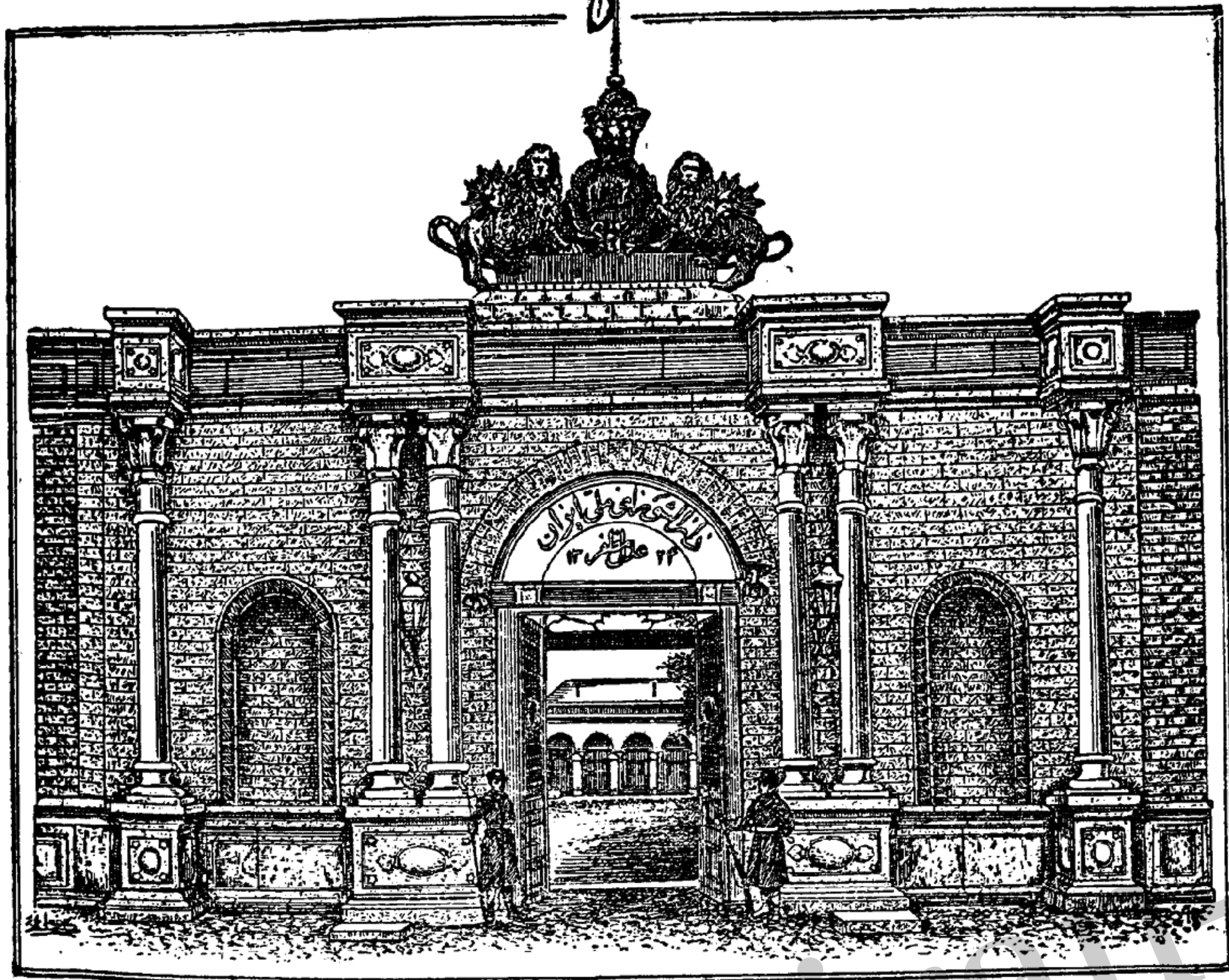
۱۳۰۵

جلسه پنج شنبه ۲۱

بهر ماه ۱۳۰۷

مطابق ۲۸ محرم

۱۳۴۷



مذاکرات مجلس

دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس پنجشنبه ۲۱ تیرماه ۱۳۰۷ مطابق ۲۴ محرم ۱۳۴۷

جلسه ۲۶۲

(مجلس دو ساعت و نیم قبل از ظهر ریاست آقای پرنیا تشکیل گردید)
 (صورت مجلس یوم سه شنبه نوزده تیرماه قرائت شد)

(غائبین با اجازه جلسه قبل)
 آقایان : آیت الله زاده خراسانی - دکتر طاهری -
 نگهبان - محمد تقی خان اسعد - اسکندر خان مقدم -
 محمد هاشم میرزا افسر - آقا میرزا هاشم آشتیانی - آقاسید

شماره	عنوان	از صفحه	الی صفحه
۱	تصویب مرخصی آقایان ملک مدنی و میر ممتاز	۴۷۴۲	۴۷۴۳
۲	شور در کلیات لایحه انحصار نریاک	۴۷۴۳	۴۷۶۲

www.iranarchive.com

حسن مدرس - نفة لاسلامی - لبقواتی - افخمی - نجومی
 (غائبین بی اجازه جلسه قبل)
 آقایان : اسدی - ذوالقدر - عظمی - میرنماز -
 میرزا محمد تقی طباطبائی - قوام شیرازی - امیر تیمور
 کللی - آقا زاده سبزواری - حاج حسن آقا ملک -
 اسکندری - محمد ولیم پور - میرزا حسنخان وثوق - حاج
 غلامحسین ملک - ابراهیمی - میرزا علی مولوی - موقر
 شریعت زاده - آقا علی رابع - غلامحسین میرزا مسعود
 (در آمده با اجازه)
 آقای سید ابراهیم صیاد
 در آمدگان بی اجازه :
 آقایان : عمیق شیرازی - شیروانی - مرتضی قلیخان
 بیات - حاج میرزا حبیب الله امین - عباس میرزا -
 میرزا محمد تقی بهار - کارزونی - زعیم .
 رئیس - آقای کارزونی
 کارزونی - بنده را جزء در آمدگان بی اجازه نوشته
 بودند در صورتیکه بنده اجازه خواسته بودم
 رئیس - صورت مجلس آزادی ندارد ؟
 (گفتند خیر)
 رئیس - صورت مجلس تصویب شد . خبر کمیسیون
 عرایض و مرخصی قرائت میشود
 نماینده محترم آقای ملک مدنی از تاریخ بیست و دوم
 تیرماه ۱۳۰۷ اجازه يك ماه مرخصی تقاضا نمودند چون
 نماینده معظم لیه تا کنون از مرخصی استفاده نفرمودند
 لذا کمیسیون با تقاضای ایشان موافق اینک خبر آن را
 تقدیم مجلس مینماید
 رئیس - آقای خطیبی
 خطیبی - بنده موافقم
 رئیس - آقای فیروز آبادی
 فیروز آبادی - عرض میکنم بکماه بیشتر به آخر مجلس باقی
 مانده اگر آقایان بخواهند مرخصی بگیرند و بروند بالاخره
 مجلس از اکثریت می افتد به این ملاحظه بنده با کلبه مرخصی ها
 مخالفم و البته خود آقایان هم نباید راضی به این امر شوند

که مجلس از اکثریت بیفتد بنا بر این بنده با این
 مرخصی مخالفم
 مخیر - نماینده محترم مکرر این فرمایش را فرموده اند
 و جواب هم به ایشان عرض شده است که کمیسیون عرایض
 همیشه متوجه است که مجلس از اکثریت بیفتد و ضمناً
 آقا بایستی اصرار را هم قائل بشوید برای اینکه آقای
 ملک مدنی از اول دوره باینکه قرب جوار بمحل خودشان
 داشته اند استفاده از مرخصی نکرده اند در صورتیکه
 قانوناً حق مرخصی هم داشته اند از آن طرف بقدری مراقب
 امور مجلس خود بوده اند که میتوانم عرض کنم در
 جلسات هم غائب نبوده اند از این جهت کمیسیون عرایض
 هم با يك بشدتی مرخصی ایشان را تصویب کرد
 رئیس - آقایانیکه با این خبر موافقت قیام فرمایند
 (اکثر قیام نمودند)
 رئیس - تصویب شد .
 خبر مرخصی آقای غلامحسین میرزا
 نماینده محترم آقای غلامحسین میرزا مسعود بعلت کسالت
 مزاج از ۱۷ تیر ماه تقاضای ۱۵ روز مرخصی نمودند
 کمیسیون با تقاضای ایشان موافق اینک خبر آن را تقدیم
 می نماید .
 رئیس - آقای کارزونی
 کارزونی - بنده از شاهزاده غلامحسین میرزا خواهش
 میکنم که از این مرخصی صرف نظر فرمایند
 رئیس - آقای آقا سید یعقوب
 آقا سید یعقوب - بنده هم مخالفم
 رئیس - آقای فیروز آبادی
 فیروز آبادی - مخالفم
 رئیس - آقایانی که این خبر را تصویب میکنند قیام
 فرمایند
 (چند نفری برخاستند)
 رئیس - تصویب نشد .
 خبر مرخصی آقای میرنماز
 نماینده محترم آقای میرنماز بشرح تلگرافینده توسط

نماینده محترم آقای احتشامزاده از خراسان نموده اند
 مبتلا بدرد پای سخت غیر قابل حرکت شده و اجازه
 چهل روز مرخصی از دهم تیر ماه نمودند کمیسیون عذر
 ایشان را موجه دانسته با تقاضای ایشان موافق اینک خبر
 آنرا تقدیم مینماید
 رئیس - آقای احتشامزاده
 احتشامزاده - موافقم
 رئیس - آقای رفیع
 رفیع موافقم
 رئیس - آقای فیروز آبادی
 فیروز آبادی - بنده هم تصدیق میکنم که آقای میرنماز
 مریض هستند در اینصورت مجبور نیستند که مرخصی بگیرند
 و خوب است از مریضی و کسالت حقوق صرف نظر
 فرمایند
 زوار - مخیر کمیسیون - بنده بارها به آقا
 تذکر داده که اکثر این سخن مجلس را اظهار فرمایند که
 حقیقه کسالت و کسالت بر میخورد بعلاوه خود آقا هم
 مریضند که آقای میرنماز مریض هستند نظامنامه هم
 به ایشان حق داده است بعلاوه صحیه مشهد هم کسالت
 ایشان را تصدیق کرده است دیگر جای مخالفتی باقی نماند
 رئیس - آقایانیکه با این خبر موافقت قیام فرمایند
 (اغلب قیام نمودند)
 رئیس - تصویب شد .
 وزیر مالیه - آقای وزیر عدلیه چون کسالت داشتند
 نتوانستند بمجلس تشریف حاصل کنند شرحی به بنده
 نوشته اند و از بنده خواهش کرده اند که چند فقره
 از لایحه مربوطه به ایشان و کمیسیون عدلیه را اینجا
 تقدیم کنم . یکی قانون محاکات نظامی است که با مشورت
 ارکان حرب کل تنظیم شده است چند فقره هم راجع
 به ثبت اسناد و قسمت های دیگر است که لوایحش را
 فرستاده اند و بنده تقدیم میکنم که بکمیسیون عدلیه
 مراجعه شود .
 جمعی از نمایندگان - دستور

وزیر مالیه - راجع بدستور همانطور که بنده تقاضا
 کرده بودم لایحه انحصار را که خبرش از کمیسیون هم
 تقدیم بمجلس شده است مطرح شود
 فیروز آبادی - بنده مخالفم
 رئیس - بفرمایند
 فیروز آبادی - آقایان مستحضرنند که بعضی از لایحه
 بمجلس آمده است و مدتی است معطل مانده است در
 صورتیکه هر قانونی بیش از چند دقیقه کار ندارد منافع
 هم برای مملکت دارد یکی از آنها لایحه خط آهن بین
 محمدره و عبادان است که شور اول و دومش تمام شده
 و فقط يك رأی باقی مانده است آقایان اجازه فرمایند
 که این لایحه تمام شود بعد داخل در سطل دیگر بشود
 رئیس - رأی میکنم آقایانیکه تصویب میکنند لایحه
 جزو دستور شود قیام فرمایند
 (اغلب قیام نمودند)
 رئیس - تصویب شد . مذاکرات راجع بکلیت است
 آقای فرمند
 فرمند - بنده اصولاً موافقم با اینکه کسالت تریاک را
 در ایران منع کنند و استعمالش را هم غدغن سخت
 و جلوگیری کنند زیرا این انحطاطی را که ما پیدا
 کرده ایم یکی از عللش همین تریاک است که امیدواریم
 رفع شود این عقیده شخص من است ولی البته نظر به
 اینکه امروز تریاک يك قسمتی از صادرات ما را تشکیل
 میدهد بنده این تقاضا را ندارم که کسالت آنرا قدغن
 کنند زیرا اینکه قانون تحدید تریاک که گذرانند
 روح قانون این بود که تریاک کشیده نشود ولی بدبختی
 روح این قانون در اینمدت اجرا نشد و فقط وزارت
 مالیه در اینمدت جنبه مالی این قانون را در نظر گرفت
 و برای ازدیاد عایدات ما دیدیم که تریاک راحتی در قهوه
 خانه اعمیم کردند برای اینکه عایدات دولت از دباد
 پیدا کند و حالا هم لایحه انحصار را دولت تقدیم کرده است
 و هیچ معلوم نیست که روی چه بیتی دولت این لایحه را
 تقدیم کرده است و فقط يك جنبه مالی دارد و يك لایحه

بین المللی این انحصار نافع است به نیت اینکه کشت تریاک را تخفیف بدهند و اگر این نیت هست بایستی اصول و رویه تخفیف این کشت را در نظر گرفتند که عامه هم از این رویه مستحضر شوند. و اگر اختیار باوزارت مالیه باشد ممکن است بگوید فلان ولایت امسال کشت تریاک نکند و سال دیگر فلان ولایت را بگوید و باصطلاح تخفیف دادن کشت تریاک روی یک اصولی نباشد و این بمنفعت جامعه امروزه ما تمام نمیشود و اگر چنانچه نیت دولت این است که بتدریج این کشت تخفیف پیدا کند باید در صدد باشند که یک زراعت دیگری را بجای این زراعت برقرار کنند که صدمه با صادرات ما نخورد و علاوه بر این بایستی یک مبلغی از اضافه عایدات این مالیات در لایحه پیش بینی شود که در آینه بتدریج برای تشویق مردم خرج شود و یک زراعت دیگری را رواج بدهند که جای تریاک را بگیرد این معنی هم در لایحه نیست و بنده که این لایحه را خواندم هیچ منظوری جز نظر مالی درش ندیدم در صورتیکه دولت اگر منظور دیگری هم دارد بایستی در همین لایحه ذکر کند و اگر بنا باشد اینطور باشد این موجب میشود که همینطور برور کشت تریاک را از بین ببرند و آنوقت در ده سال دیگر باید از خارجه مرفین و سوزن مرفین همانطور که از جاهای دیگر قاچاق میکنند از آنجا ها هم قاچاق بکنند برای تریاک کش ها در صورتی که اگر چنانچه حقیقه نیت دولت تخفیف دادن کشیدن تریاک باشد بایستی ازحالا در صدد باشند اداره صحیه و دولت مردم را پرویاکاند کنند و تشویق کنند و به دادن حب ترك تریاک مجانی و غیره تریاک را ترك کنند و بالاخره باید این دو منظور در لایحه باشد یکی اینکه بجای این زراعت زراعت دیگری بیاید یکی اینکه بتدریج کشت آن از بین برود و جلوگیری شود تا موقوف شود و زرمالیه - فرمایشات نماینده محترم مخالف با اصل مطلب نبود و البته غیر از این هم انتظاری از ایشان نبود زیرا با اطلاعی که دارند تصدیق دارند که یک همچو

مالی است برای ازدیاد عایدات در صورتیکه بنده معتقدم که هم دولت و هم مجلس يك ماده چیزی در این لایحه بکنند که بعقیده من این است که یک مقداری از اضافه عایداتی که از این راه پیدا خواهد شد تخصیص بدهند به صحیه که اداره صحیه مملکتی از کشیدن تریاک جلوگیری کند ولی اگر بهمین نحو باشد که پیشنهاد شده است آنوقت این اسباب زحمت برای دولت و مردم خواهد شد اما رسیدیم به سر انحصار بنده اصولا معتقد نیستم که دولت يك مالیاتهای برای این مملکت وضع کند که جنبه انحصار داشته باشد برای آنکه ما وقتی يك قانونی در مجلس میگذرانیم این قانون بطوری که باید بین مردم منتشر شود نمیشود و اگر هم منتشر شود خود مردم در صدد استعمال آن نیستند که مجلس چه قانونی گذرانده است و بالاخره حالت شهر ها اینطور است تا چه رسد بدهات. بنده امروز انحصار را برای این مملکت کار مشکلی میدانم و از دو طرف مشکل میدانم بواسطه نبودن مأمورین ذی شعور فهیم و هم اینکه مردم مطلع از نظامنامه و جریان اداری نیستند که وظایفی را قانون برای آنها معین کرده است عمل کنند از این جهت بنده معتقدم که قوانین انحصاری کشمکش و زحمانی بین دولت و مردم ایجاد میکند که بالاخره به نفع جامعه تمام نمیشود برای اینکه يك تنفری راجع تمامورین دولت از طرف مردم ایجاد میشود مأمورین دولت هم نظر به اینکه مردم يك قاچاق کارهایی میکنند يك تضییقاتی نسبت مردم میکنند و این رویه خیلی خطرناک است که همیشه دولت و ملت در صدد جنگ و ستیزه با یکدیگر باشند از این نقطه نظر این قبیل مالیاتها را صلاح نمیدانم حالا این لایحه را آورده اند به عنوان اینکه تریاک کش را تخفیف بدهند و از یکطرف عایدات دولت را زیاد کنند این نیت هیچ معلوم نیست اگر ممکن است اصلاح شود و طوری باشد که هم بمنفعت مردم باشد و هم بمنفعت خزانه در این لایحه که چیزی دیده نمیشود اما در مقدمه لایحه اشاره شده به اینکه از نقطه نظر

چیزی از حیث اصول نافع است مخالفت نکردند بلکه خواستند يك اطلاعاتی از نیت دولت داشته باشند و این که فرمودند لایحه ظاهرش فقط يك منظور مالی است عرض میکنم این يك چیزی نیست درست دقت بفرمائید به بینید مملکت ایران با این وسعت و با این احتیاجاتی که ترقی دارد مسلم است که بیست و پنج میلیون با بیست و شش میلیون عایدی تکافوی این احتیاجات نمیکند فرض میکنم که هیچ منظوری در این لایحه نباشد غیر از اینکه عایدات زیادتری برای این مملکت و برای اصلاحات این مملکت تهیه شود این تازه بسیار کار خوبی است و خوبیش بیشتر میشود از حیث اینکه مثل سایر عایدات دیگر این مملکت زراعت و زارع تحمیل نمیشود و جویی که از خارج وارد این مملکت میشود اگر ما بتوانیم این را بیشتر آورد کنیم البته ضرر ندارد و خیلی بهتر است و آن اشخاصی هم که از این منابع يك منافع خصوصی میبرند آنها هم خودشان حرقی نخواهند داشت زیرا نفعی که دولت میبرد خیلی بیشتر خواهد بود از نفعی که آنها میبرند و از آنطرف مصرف هم البته مصرف مؤسسات عمومی مملکت خواهد بود و بهتر است از اینکه تخصیص داده شود شصت و زدنکائی يك فردی بهر حال در صورتیکه تنها منظور هم منظور مالی بود تصدیق بفرمائید که این لایحه مورد موافقت و مساعدت آقایان باید باشد. و اینکه فرمودند آن منظور دیگری هم دولت غیر از منظور مالی دارد عرض میکنم آن منظور دیگر حفظ نژاد ما است که استعمال تریاک آنرا خراب میکند. و همانطور که فرمودید قانون اولی که از مجلس گذشت روی این فکر بود ولی آن نتیجه که میخواستیم بما نداد حالا چگونه اینطور شد؟ اصول و طرز اداری فکر در آن قانون خوب نبود اینها يك چیزهایی است که مورد بحث نیست چیزی که مسلم است و قابل هیچ تردید نیست نظایر و امثالش را هم خود ما دیده ایم برای رسیدن بمقصود یعنی جلوگیری از استعمال تریاک ما هیچ راهی بهتر از انحصار نیست برای اینکه احتیارات اداره کننده

را نسبت بمشکل کردن کشش تریاک بیشتر میکشد - پس نیت دیگری که دولت در تقاضای انحصار دارد این است که موفقیت پیدا کند به این وسیله و از این راه برور تریاک کشیدن را در این مملکت موقوف کند. نماینده محترم يك قسمتی هم راجع بزراعت تریاک فرمودند که ممکن است دولت این نیت را داشته باشد که باین وسیله بخواهد زراعت تریاک را جلویش را بگیرد البته کسیکه قائل شد به اینکه تریاک کشیدن چیز خوبی نیست باید جاوی اینرا هم بگیرد ولی یکی از طرقی که باید در نظر گرفت این است که آقا درست دقت بفرمائید خودتان هم اشاره فرمودید بنده فرمایش شما را تفسیر میکنم آقا باید فکر کنید و به بینید امروز مملکت ما پیش آمدش اینطور شده است که محصول تریاک تنها محصولی است که از حیث وارد کردن سرمایه خارجی برای این مملکت خیلی مؤثر است پس ما هر قدر قائل بشیم بجلو گیری از کشیدن تریاک نمیتوانیم بی مطالعه و بی مقدمه بدون اینکه بدینیم قائم مقام این زراعت چه خواهد شد بیفکیم توی خط اینکه زراعت تریاک را از بین ببریم این تقاضا را در جامعه ملل هم از ما کردند آقا میدانند که يك سیاست عمومی ایجاد کردند در زمینه موقوف شدن زراعت تریاک. یکی از ممالکی هم که مخاطب بن نظریه و این فکر و عقیده بود مملکت ایران بود. ما هم آقایان مستحضر هستید که در جامعه ملل چون اصولا این يك فکر مستحسبی است اگر حقیقت داشته باشد و تطبیق با واقعیت پیدا کند یعنی در صورتیکه در همه جای دنیا حقیقه زراعت تریاک را از بین ببرند البته ما هم شاید يك اشخاصی باشیم که ولو برای يك منافع خیلی زیادی هم باشد مخالف با يك اصول خوبی باشیم ما در عین اینکه تصدیق میگردیم که بطور کلی با این فکر مملکت ایران و ملت ایران مخالفت ندارد با اینکه وضعیت مملکت ما يك وضعیت خاصی است که شبیه هیچ جای دنیا نیست ولی قید کردیم که اگر ما در این رویه و راه بیفکیم با يك مقدمه ای است بعقیده ما اولش این است که به بینیم حقیقه این

سیاست در همه جی دنیا بموقع عمل میآید؟ ما هم بنوبه خودمان يك قدم كوچكتری اگر لازم شد بر میداریم ولی بموقع پیدا نکردیم نه ما و نه شما روی این فکر نباید باشیم. بعد گفتیم به آنها وقتی که بنا شود این کار را بکنیم باز باید يك شرایطی داشته باشیم برای اینکه آنوقت ما يك وقت زیاد و منوبات زیادی باید داشته باشیم که بتوانیم قایم مقامی برای این محصول بدست بیاوریم در هر حال فعلا ما از نقطه نظر سیاست عمومی و سیاست خارجی وضعی همان طوری نیست که حقیقه تهدید آمیز باشد برای صاحب مملکت ما و برای زراعت تریك ما زیرا احتیاجات مشروع و احتیاجات طبی باید اندازه که ما هم با این زراعتی که داریم بتوانیم زندگی کافی کنیم. و در مقابل آن احتیاجات مشروع او را استعمال کنیم در دنیا موجود است در هر حال قضیه از موضوع بحث امروز ما خارج است و اینکه آقا اشاره فرمودند که معلوم نیست محاسن این لایحه و منوبات دولت چیست و آیا یکی از منوبات دولت در لایحه این است که از راه انحصار زراعت تریك را موقوف کنند یا نه؟ خواهتم عرض کنم نه ولی البته اگر وضعی مقتضی شد و آن شرایط در دنیا اجرا شد که دیگران هم این کار را کردند و حقیقه وارد بین سیاست شدند البته ما هم میشود ولی انحصار حسنش این است که يك مقدمه است برای آن سیاست عمومی یعنی اگر يك روزی بنا باشد مصاحبت طوری ایجاد کند که شما بخواهید زراعت تریك را تقلیل دهید باز از راه انحصار سهلتر میشود. این را بنده برای اطلاع خاطر آقا عرض میکنم ولی روه مرفقه نیت دولت در این لایحه در چیز اساسی است یکی قسمت عایدات و این نه تنها از نقطه نظر این است که ما احتیاج داریم يك نکته است که از این مراحل هم مهمتر است شاید يك اشخاصی در این مجلس باشند که مطلع باشند و اگر يك ملاحظاتی کنند تصدیق میکنند. الان عایداتی که از تریك برای این مملکت حاصل میشود ولو اینکه خوبست و زیاد است ولی اگر

این را مقایسه کنید با آن عایداتی که حقیقه از این راه باید وارد این مملکت بشود می بینید که يك چیز کمی است چرا اینطور است؟ برای این است که این قضیه محصول تریك و تجارت در بازار دنیا يك قضیه خیلی مهمی است که بدون داشتن يك احساس و بدون داشتن يك مطالعات و يك تحمل و طاقت مقاربت در مقابل رفقای دیگر نفعی را که باید گرفت نمیشود مثلاً اگر مراجعه کنید به گذشته و ده سال بدست سال قبل که تجارت تریك رواج پیدا کند و ناچار تریكها زیادتر بشود و رقابت بین آنها شدید تر بشود شاید صندوق تریك ایران را در خارجه وقتی میبردند خیلی گرانتر از این قیمتی که امروز هست میفروختند امروز چرا اینطور است؟ برای اینکه مرور يك رقابت هائی تولید شده و يك نفع خیلی کمی بنده سرکار و دیگری که تریك هستیم قناعت میکنیم و نمیتوانیم خودداری کنیم برای اینکه سرمایه کافی برای این کار نداریم و در مقابل رقابت دیگران وسائلی که لازم است نداریم. آقا میدانند که در مقابل رقابت تنها وسیله ارزان فروشی نیست. ارزان فروشی يك چیزی است که از مقدمات خیلی بدوی مثلاً ما فرض کنیم که ارزانتر فروختن تنها وسیله رقابت است. ای امن بازار مال التجاره را خراب کردند قیمتش اینطور شد خیر اینطور نیست این انتخاب است. برای رقابت در بازارهای دنیا هزار چیز میخواهد و وسائل میخواهد حمل و نقل شخصی میخواهد. اعتبار کافی میخواهد امتیازات میخواهد و هزار چیز دیگر می خواهد تنها ارزان فروختن نیست ناری مقصود این است که از این راه هم خسارات و ضرر هائیکه بدولت و مملکت وارد می آید از راه انحصار جبران میشود. اگر این انحصار اداره شود شاید بول خارجه که در مقابل همین تریکی که امروز وارد این مملکت میشود در مقابل همین محصول امروزی مملکت بیشتر هم نمیشود. اگر این انحصار خوب اداره شود ممکن است پنج برابر شش برابر بولی که امروز وارد مملکت میشود وارد بشود. تصدیق میفرمائید که این

قبیل مدافع منافع عمومی است که منفعتش با افراد مملکت میرسد. همه مؤسسات میرسد و این را نباید خرده شمرد و باید وسائلش را فراهم کرد و وسائل اینها این است که تریك را منحصر آ اداره کرد. حالا البته يك وضعیات خاصی هم در مملکتها هست که آن وضعیت خاص را هم همیشه خواسته ایم رعایت کنیم؟ یعنی چون در مملکت ما کار صنعت تجارت هنوز خیلی زیاد نیست دولت و مجلس همیشه در نظر داشته اند در هر کاری که کرده اند در يك جاهائی مدافع يك اشخاصی را هم منظور داشته اند حالا شاید از نقطه نظر اصول عملی وظیفه و تکلیف باشد ولی از نقطه نظر وضعیات اختصاص این مملکت این مسئله منظور بوده و همین مناسب است که ملاحظه میفرمائید در این قانون ما راه را باز گذاشته ایم و این اجازه را داده ایم که برای صدور تریك بخارجه دولت بتواند جوایز تجاری که تجارت میکنند بدهد. چرا؟ برای اینکه از این راه میتوانیم تا يك اندازه تا آنجائی که خود آنها صلاحیت مملکت و دولت را رعایت کنند يك منافعی از این کار بآنها بدهیم. در این صورت اگر دولت بتواند منافع انحصاری را از راه واسطه عمری انجام دهد و آن واسطه هم منفعتی ببرد و لو اینکه کاملاً ارکان انحصار هم قائم نخواهد بود ولی از نقطه نظر مراعات ما از نقطه نظر مردم داری از نقطه نظر مساعدت به افراد (این افراد هم خیلی کم هستند آن هائی که از این راه استفاده میکنند چهار پنج نفر بیشتر نیستند) ما این راه را باز گذاشته ایم. روه مرفقه خواهتم باقیان عرض کنم که نظر دولت در این کار عایدات است و نه تنها عایدات برای مملکت برای مؤسسات است بلکه برای وارد کردن پول بیشتر در مقابل محصول مساوی امروز است. يك محصولی که امروز مثلاً ده کرور بازده کرور بول وارد میکند يك کاری کنیم که همین محصول بیست کرور سی کرور پنجاه کرور وارد کند. این کار يك کاری است که باید سهم بشاریم و مجلس و دولت دنبال او برود. عوائد

لازم داریم و بی عوائد نمیتوانم زندگی کنیم باید این عوائد را پیدا کنیم و از راهی پیدا کنیم که ضرر یکی نخورد. زارع مالک آن خرده باهائی که از این ممر استفاده میکنند آنها هم محروم نمائند. يك دیگر هم البته این است که ما بایستی برای حفظ نژاد خودمان سعی کنیم. تریك کشیدن را کم کنیم و راه ترك کردن تریك و نکشیدن تریك این است که ما هر قدر میتوانیم وسائل تمرکز این کار را فراهم کنیم و مشکلتر کنیم مثلاً ملاحظه بفرمائید مثالی عرض میکنم: در چندی قبل از این در اصفهان راجع به اجرائی مقررات تریك يك مشکلاتی تولید شد. آقا (اشاره به آقای مدرس) باید خاطر مبارکشان باشد از نقطه نظر انبار و تباری اشکالاتی پیش آمد و در آن موقع راه حلی پیدا کردند و دولت هم قبول کرد. این خیلی بنظر ساده می آمد و عوائد دولت هم کمتر که نشد بیشتر و راحت و ساده تر هم شد. زیرا مقمش نمیخواست. ما مأمور نمیخواست ظاهراً مقصود هم انجام میشد. بعد از دو سال چهار سال یعنی امروز می بینیم و مشاهده میکنیم که اولاً در آن ناحیه و خطه تریك کشی دو برابر شده است اگر عراق نگویم چهار برابر شده است گذشته از این که مرکز تجارت قاجاق هم درست کرده اند و با قاط دیگر روابط منظم و مرتبی دارند يك حکایتی است يك داستانی است که عنقریب محاکم عدلیه و دو اثر استنطقیه شرحش را در روزنامه ها خواهند نوشت و با چه زحمتی بنده کشف کردم پیدا کردم و دادم به دو اثر استنطاق و بار که و جراند که آقایان مسبوق شوند. مسئله حفظ نژاد این مملکت حفظ سلامت افراد این مملکت این يك چیزی است که بر هر منفعتی برتری دارد ما از راه مؤسسه انحصار این مقصود را میخواهیم حاصل کنیم

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - آقای بامداد

بامداد - عرض کنم ایران دو منبع عایدی برجسته دارد یکی قالی است و یکی تریك. اولاً اگر خشخاش بکلی معدوم

شود به بنده شخصاً ضرری نمیخورد. بجهت اینکه زارع نیستم نادلال و تاجر آقبان هم اغلب اینطورند ولی بنده از این جهت علاقه دارم باین منبع و وقتی که خواستند بازی سر این کار در بیاورند که ما تریاک نداشته باشیم و دیگران داشته باشند حقیقه من خیالم ناراحت بود و خیلی باید تشکر کرد که پدشرف نکرد این قضیه بمقتضای بنده این لایحه مخالف زراعت تریاک است (بعضی از نمایندگان صحیح است) همان مقصودی را که میخواستند انجام دهند بدیختمانه طرز تدوین این لایحه انجام داده. دخالت دولت. اسم دولت را تا بشنود زارع و مالک پس است برای اینکه طفره بزند از کشتن و تکار و خود بخورد تریاک از بین مبرود و همان مقصود حاصل میشود. این تجربه شده است. ده دفعه بیست دفعه صد دفعه تجربه شده است و دیده ایم که علاوه بر این که دولت اگر چیزی را در دست گرفت مباشر خوبی نخواهد بود. کاسب: چاروازار، مالک و تاجر خوبی نیست (نه اینجا در تمام دنیا دولت باید این کاره نباشد) یک مناسباتی بدیختمانه ایجاد شده مابین مردم و بعضی مأمورین که این ریسمان سیاه سفید شده تقصیر هم با کسی نیست این از همان توالی ازمنه سابق است - مأموری که از اینجا مبرود اینجا فرسخی صد فرسخی تصور میکنند که برای تجارت مبرود. انجام وظیفه از او نمیخوانند زارع هم خواه نخواه میترسد. آمدیم سر نظریاتی که دولت این لایحه را آورده. آقای وزیر مالیه دو نظر فرمودند بنده عرض میکنم سه نظر. یکی فرمودند از دید عایدی یکی حفظ نژاد و آن نظری که خود بنده دارم مرغوبیت متاع است. که این متاع خالص و بی بازار دنیا شود و بشرحی که الان عرض میکنم الان ما مرغوب است و اگر نظارت دقیق شود مرغوب میشود. اما عایدات در نظر سطحی این لایحه عایدات را زیاد میکنند این شبهه ندارد بجهت اینکه دولت که تاجر میشود شاید خودش به بازار های دنیا ببرد ولی بآن نظری که عرض کردم ممکن است که اصلاً موضوع یعنی زراعتش را از بین

برد. اضافه عایدات يك تربی دارد. يك دولتی که می بیند احتیاجاتی دارد می آید در مجلس شورای ملی و به نمایندگان مردم میگوید که احتیاجات ما از این قرار است و عایدات وافی و کافی نیست و عایداتی که میخواهیم این دلیل باین دلیل لازم است و این منابع را در نظر گرفته ایم ما که مسبوق نیستیم البته احتیاجات اقتصادی و توسعه اقتصادی ما زیاد داریم اما هنوز ما که مسبوق نشده ایم بنده خیال میکنم که دولت سرفه در این لایحه از حیث عایدات نخواهد داشت اما حفظ نژاد. این لایحه مربوط به حفظ نژاد از حیث استعمال مرفین و اینها نیست. برای اینکه اساس تأسیس اداره تحدید تریاک برای این کار بود که دیدیم بدیختمانه نتیجه سوء داد. بدی اداره و آن مقتضای بازی ها و آن بدیختمانی که مفضن سر مردم می آوردند: ریختن توی خانه و همه جانرا گشتن که تو تریاک قاچاق داری يك چیزی شده است برای پیش رفتن این لایحه. آن که برای حفظ نژاد بود و بهیچ اسم هم نوشتند و اداره تحدید بود از آن چه نفعی بردیم؟ جز اینکه وقتی روی هر رفته فکر کنیم مضار و منافع را با هم بسنجیم یعنی به اینیم چقدر خرج و چقدر عایدی داشته مضارش بیشتر است. پس این لایحه که آقا میفرمایند که نظر مستقیم برای حفظ نژاد داریم چطور میتوانیم جلو گیری کنیم؟ خیر نظر مستقیم عایدات است بنده عقیده ام این است که تریاک باین حال آزاد نباشد آن نقلیاتی که در این مال التجاره میکنند همانطوری که در قالی جوهری ضرر دارد با اینکه قالی بکانه مال التجاره ما است باز آن قدرها برای او ضرر نداشت. زیرا باز آنها مشتری داشت چنانچه مکرر صحبت شد ولی در موضوع تریاک دو نکت يك نکت که جنبه داخل کردن این متاع ما را بکسی خراب و در بازار دنیا و رشکست کرده. حتی پیرای سال در هنگامی که مرکز عمده فروش تریاک بود حکم کردند يك عمده زیادی جعبه های تریاک را بدریا ریختند زیرا مشتری نداشت و میخواستند بطور قچاق بفروشند در صورتیکه تریاک ایران مرغوب ترین تریاک ها است.

خود چین که يك مقدار هنگفتی که درست در نظر ندارم کمان میکنم صد هزار تن یا بیشتر تریاک داریم معذک تریاک ما را طالب بود زیرا هم معطر تر است هم مرفینش زیاد تر است و هم مکیف تر است. تریاک ما مشتری دارد فرض بفرمائید پارسال از ما تریاک خواسته بودند و ما قریب هفده کرور پول وارد کردیم و سفارش ما داده بودند. حالا اگر دولت غیر مستقیم بیاید نظارت دقیق کند در عمل آوردن این محصول و بقول این لایحه تیاری تریاک را در نظر بگیرد که گنجینه داخل نکنند و تریاک خالص باشد آنوقت به این ترتیب هم عایداتش زیاد میشود و هم منفعتش برای دولت بیشتر است و هم در بازار دنیا آرومند هستیم بواسطه این مال التجاره و هم تضییق بر مردم نمیشود. بنده عقیده ام این است که قرار بگذارند که تیاری تریاک یعنی بعد از آن که از خشخاش شیره را میگیرند در تحت نظر دولت باشد و برای این يك مبلغی بگیرد پنج تومن ده تومن بگیرد. هیچ اهمیتی هم ندارد يك طریق خصوصی هم برای مصرف در داخله معین کنند و در سئام تحدید و قوانین آن هم تحدید نظری میکنند. در گمرک از قسمت های تریاک خصوصی که با مراقبت دولت درست شده يك حق التجزیه و حق گمرکی جعبه پنجاه تومن نصت تومن میگیرند بنده عرض میکنم جعبه صد تومن بگیرند ممکن است و جا دارد که علاوه بر اینکه حالا میگیرند بگیرند چرا؟ زیرا این جعبه های تریاک ما از پنجاه تومن تا صد تومن بیشتر برای ما نفع دارد یکی برای اینکه حقیقه تا مرغوش کرده اند دیگر برای قسمت های قچاقی که سر پرست ندارد. دیگر برای همان قسمتهایی که حضرت را فرمودند رقابت و بررغم ارز افزون و ختن. به شما جعبه هزار تومن میرسد حد اعلاش (ما کوزیم) جعبه هزار تومن میرسد ولی جعبه ده هزار تومن فروش مبرود. آفرین بنده اطلاع دارم. اغراق نمیگویم حتی در موقعی که شلوقی بود چین چون ورود تریاک را سالها هست چین منع کرده و تریاک کسی را غدغن کرده و حالا هر چه مبرود قچاق است

این ژنرال های متعدد که هر کجا ملوک الطوائفی تشکیل داده بودند جعبه پنج هزار تومن شش هزار تومن با آنها داده میشد که اجازه قچاق بدهند و آنها را ندیده بگیرند.
مدرس - همان منشأ لایحه شد
بامداد - شوخی نیست این مسئله. حقیقه پنج هزار تومن آنها میگرفتند برای اینکه خودشان حمل کنند و گمرک کاری نداشته باشند پس بنا بر این اگر بیایند این نظارت دقیق را از اول نکنند هم برای دولت عایدی هنگفت پیدا کرده ایم و هم این مال التجاره در بازار دنیا آرومند فروش رفته و اگر درست حساب بفرمائید با این قسمت مراقبت ها و نظارت و دریافت حق التجزیه و خروجی مبلغی که خودتان نسبت باین لایحه حساب کرده اید بیشتر خواهد شد ولی حساب نکرده اند همینقدر فهمیده اند که از حیث احتیاجات در مضیقه هستند دولت محتاج بيك عایدی است دیده اند يك عایدی بر جسته جلو یا افتاده است تریاک گفته اند خیلی خوب می آیم از این راه پیدا میکنیم اما خیلی بیخشد و غایت عنك اشیاء. در ماده سیزده می نویسد: (برای اجرای این قانون و ترتیب تقشش و جلوگیری از قچاق تریاک و شیره وزارتین مالیه و داخله مکلف بتدوین نظام مناسم هستند) این ماده سیزده يك ماده عجیبی خواهد بود حقیقه خلاف مقصود شما را فراهم خواهد کرد حساب کنید اینطوری که بنده عرض میکنم پیشرفت ندارد. یا بیایید کار دیگر کنید. دولت کار خودش را بکنند مردم کار خودشان را یا يك مؤسسه ملی آرومند که محل اعتماد باشد تشکیل بدهند و با او قرار بگذارند و انحصار را بدهند بدست آنها نه يك مؤسسه مرکزی دارای شعبات باشد خبر در هر نقطه که میخواهند نقاط حاصلخیز شما کجا است؟ حساب کنید فارس است است بروجرد و لرستان و خراسان است این ها را حساب کنید.
روحی - عمل نیست

بامداد - خیلی خوب عملی است این مسئولیت را بدهید بآن کسانی که این کاره هستند و در این کار بوده اند و از زارع سلف میخرند و پول پیش میدهند يك حاج عبدالحسین بود در خراسان این وقتی هارکش روی جمعه تریك بود صده علاوه میخریدند . تجزیه نکرده میخریدند . يك همچو اشخاصی هستند با آنها قرار بدهید . شما كمرك خروجی خودتان را بگیریید و با آنها قرار بگذارید که از معاملاتی که میکنند و منافعی که میبرند فلان قدر بشما بدهند خدا میداند هم زارع مرفه و آزاد است و هم تربانش خلاص است از دست مأمورین مالیه که هر بدبختی که رد میشود میگوید نو قچاق کردی . تو عرض حال دادی که يك جریب بکاری چرا يك جریب نیم دو جریب کاشتی مردم نمی فهمند مردم از نظامات مطلع نمیشوند روزنامه نمیخوانند و تولید يك کرفهایی میشود . بیائید يك کاری کنید که هم دولت نوظائف خودش عمل کند و هم مردم راحت باشند . آقا در تحدید تجربه کردید بد شد در حمل و نقل تجربه کردید بد شد و اخیراً مجبور شد بد بکمپانیها و اگذار کنید . در پست و تلگراف تجربه کردید . شما هر کاری را که خودتان دست گرفته بد شد . هر ملك خالصه که بدست گرفتید بدتر از ملك اربابی شد . این معین است شبهه ندارد . ملاحظه کنید کسیکه مباشرت ملکش را میکند و محصولش را خودش حمل و نقل میکند تا اینکه دولت بکند چقدر تفاوت دارد . صدی پنجاه بودجه اش فرق میکند . این را بنده نمیگویم این را دنیا حساب کرده این مفروضه است که کاری را که اشخاص آزاد میکنند تا دولت خیلی فرق دارد پس بنا بر این بنده تصور می کنم در عوض نفع ضرر دارد . حفظ ثراد هم نمیشود . همانطور که تحدید تریك نکرد . نظر کلی عایدات است . امروز حقیقه مسخره است که يك دولت ایران بفرمایش آقای وزیر مالیه يك مملکت باین بهناوری آنوقت دارای بیست و هفت میلیون بودجه باشد . درست است بیست و هفت میلیون ولی بیشتر از این مردم ندارند حساب این را بکنید . گفت بدست از گرسنگی مرد گفت

داشت و نخورد ؟ مردم بیشتر از این ندارند شما اول بیائید از برای مملکت و این مردم عابدی و ثروت درست کنید بعد دویست میلیون بگیریید . تمول دولت یعنی مؤسسه عمومی به تناسب تمول مردم است . بنده عقیده ام این است که شما با این ترتیب بجای اینکه تمول ایجاد کنید کم میکنید . حساب کنید به بیاید از نظارت و گدرك خروجی با تأسیس مؤسسات میتوانیید این را جبران کنید ؟ حقیقه کاری کنید که نه سیخ بسوزد نه کباب نه شما تریك فروش شده باشید و نه مردم بدبخت از دست بروند این نظریات بنده بود که عرض کردم حالا خودتان میدانید؟

رئیس - آقای باستانی

باستانی بنده مخالفم

رئیس - آقای عباس میرزا

عباس میرزا - بنده در مواد عرض دارم

رئیس - آقای عراقی

عراقی - بنده موافقم

رئیس - بفرمائید

عراقی - بنده تصور میکنم نماینده محترم آنچه اشکالات نسبت باین لایحه داشتند راجع بعملیاتی بود که اداره تحدید تریك نسبت بمردم کرده بودند و این لایحه را عاجلاً خوب نمیدانستند در صورتیکه بنده تصور میکنم آن قسمتهائی را که ایشان فرمودند آقای وزیر مالیه کاملاً جواب دادند و گویا ایشان متوجه آن قسمت ها نبودند ما باید دو چیز را حفظ کنیم : یکی قسمت ازدیاد عایدات است . یکی جلوگیری از استعمال تریك باین ترتیبی که فعلاً در مملکت رواج است و این لایحه هر دو قسمت را شامل است حالا شاید در بعضی از موادش بنده هم اشکال داشته باشم ولی این دو قسمتی که طرف توجه دولت و مجلس است یکی کم شدن استعمال تریك باین ترتیبی که در مملکت هست و یکی هم ازدیاد عایدات است . آقای بامداد فرمودند باید تریك خوب باشد و چیزی و داخل نداشته باشد تا در بازار دنیا بتوانیم رواج دهیم تا فایده اش زیاد باشد و نفع ببریم

ولی این قسمتی که باید اجازه نامه صادر کند که نو جریب بکار بعد میگویند که چرا سه جریب کاشتی این قسمت ها قسمتهائی است که همین نظامنامه را که آقا میفرمودند این نظامنامه چیز غریب و عجیبی است این قسمت هائی که اسباب اختلاف و صدمه زارع است مربوط بان نظامنامه است این هارا باید در آنجا گنجانند که زارع هم راحت شود ولی چیزی که مقصود اصلی است از زیاد عایدات و کم شدن استعمال تریك است در داخله مملکت هر دو اینها را باید طرف توجه و دقت قرار دهیم خیال میکنم هر دو این قسمت را بیسشهاد دولت و این لایحه شامل خواهد بود بلی يك قسمتی را که سرکار ارزش اجتناب دارید که تحدید را دیدید بد تر شد یا استعمال تریك موقوف نشد همان موجب شد که این لایحه را بیاورید بمجلس . بعلاوه صدمه که مدتها است زارع ورعیت وارد میشود بواسطه اختلافاتی است که برای گرفتن مالیات مستقیم بین رعایا و دولت ایجاد میشود ...

مدرس - اینهم ایجاد میکند

عراقی - خیر این ایجاد نمیکند . این لایحه و بعضی لوائح دیگر مثل تنباکو این ها باید مقدمات باشد که آن رعیت بدبخت آمده شود . مالیات ارضی که موجب اختلافات شدید بین دولت و مردم و اسباب زحمت زارعین بوده باید موقوف شود . پس آقایان خوب است در کلیات موافقت بفرمائید و در موادش اگر اشکالاتی دارند در موقعی که آن مواد مطرح میشود بفرمائید و پیشنهاد اصلاحی هم اگر در آن مواد دارند بفرمائید و الا بطور کلی ازدیاد عایداتش که خیلی خوب است و جلوگیری از استعمال داخلی هم بعقیده بنده اشکال ندارد .

رئیس - آقای باستانی

باستانی - بنده تا اینکه دولت معامله تریك را منحصرأ خودش بکند مخالف نیستم با مواد این لایحه هم مخالف نیستم ولی گاهی يك نماینده دچار نظامنامه میشود که

اگر بخواند يك چیزهائی بفهمد ناچار است بعنوان مخالفت وارد مطلب شود . این لایحه بعقیده بنده يك نقیصه مهمی دارد و راجع بيك ماده مخصوصی هم نیست که بنده در حین مذاکره در مواد عرض کنم . يك چیزی اضافه شده است در این لایحه علاوه بر آنچه فعلاً معمول است و مسئله حزاری است این است که گفته میشود زارعین باید قبل از زراعت تریك بفاصله سه ماه از ادارات مالیه تقاضا کنند که فلان مقدار میخواهیم زراعت کنیم مالیه هم جواز بدهد بزود زراعت کنند البته این مشکلاتی برای زارعین ممکن است تولید کند . این قدر مسئله اهمیت ندارد . آب چیزی که خیلی اسباب زحمت زارعین است و الان هم هست مطابق روسته معمولی کنونی مسئله حزاری است و بالاخره عملیاتی که مأمورین و مفتشین در موقع حزاری و تقشیش میکنند این مسئله قابل توجه است و در این قانون ابدأ ذکر نشده در صورتیکه میبایست در يك صفحه از این قانونی مواد مربوطه به حزاری ذکر شود . معلوم میشود که دولت میخواهد بنظامنامه که مدون میشود برگذار کند بعقیده بنده زیرا که جواز گرفتن زارع از دولت برای زراعت تریك اینقدر ها اهمیت ندارد بنده فرضاً زارع میخواهم سه جریب زراعت کنم بیروم تقاضا میکنم جواز میدهند ولی ماده سوم میگوید صاحبان شیره اعم از رعیت و مالک مکلفند کلیه شیره تریك های خود را بانبارهاییکه وزارت مالیه در دسترس آنها تهیه نموده است تحویل داده و قبض رسید دریافت دارند . چه مقدار شیره همان مقدار است که مأمورین بازدید میکنند باهمان مقداری است که به عمل میآید ! تمام مزاحمت و مناقشات این است قانچاق از آنجا پیدا میشود . بالاخره عمل حزاری و مزاحمت مربوطه بآنرا که متوجه رعیت میشود اشخاصی میدانند که عمل زراعت تریك را میکنند که هر چه زحمت متوجه زارع ورعیت میشود در این موقع است معمول وزارت مالیه این بود که موقع حزاری در غالب قط مملکت دو ماه هفتاد روز بعد از عید يك مأمورین فوق العاده را استخدام

کرده اند يك اشخاص منتظر خدمت اشخاصی که تحت اشل هستند و مدتها گرسنگی خورده اند اینها منتظر موقع جزاری هستند مدتس هم خیلی محدود است بیست روز بکماه چهل روز بیشتر طول نمیکشد اینها را باید حقوقهای خیلی کمی شاید با ده تومان و بیست تومان مأمور جزاری میکنند و میروند در موقع جزاری يك بازدید هائی میکنند و در این بازدیدها يك استفاده های نامشروعی میکنند که خود وزارت مالیه میدانند و يك زحمانی برای رعیت تولید میکنند که محصول زراعت شما امسال دو من شیر است. اتفاق میافتد در موقعی که میخواهند شیر را جمع آوری کنند با اصطلاح عصر معمولاً تیغ میزنند که صبح شیر را بگیرند شب باران میآید و يك قسمتش از بین میرود بالاخره رعیت با چه مقدمات باید ثابت کند که آنطوری که تخمین شده است و جزاری شده عمل نیامده خود آقای وزیر مالیه میدانند که خیلی مشکل است. بعلاوه غرض رائیهائی مأمورین در این موقع میکنند میگویند اگر ده تومان میدهی عن دو من و اگر نمیدهی سه من است. معاملات اینطوری است. خیلی باز و روشن. همه می دانیم وزارت مالیه هم نمیتواند جلو گیری کند. عمل طوری است که راهی غیر از این ندارد. بنده هر چه مطالعه کردم در این لایحه ببینم برای آن موقع حساس زراعت تریاک که برای رعایا اهمیت دارد چه فکری کرده اند چیزی ندیدم. دولت در این لایحه این قسمت را مسکوت عنه گذاشته است. بعقیده بنده میبایست يك سوادی راجع بجزاری در این لایحه پیش بینی کنند. دیگر از چیز هائی که مربوط باساس این لایحه است که میخواهم عرض کنم مخالفتم از این نظر است که اشکالاتم را عرض کنم والا با این لایحه بنده موافقم چون با دولت موافقم و موقع هم دارم که اصلاحاتی که در این لایحه بانظر خود دولت بشود آن چیزی که مد نظر بنده و سایر آقایان است و خود دولت عقیده داشته مسئله الغاء مالیات ارضی است. دولت در سابق يك لایحه جمعی آورد که

بباید اجازه بدهید معامله تریاک انحصاری بشود آتون و تنباکو و قسمت مالیت ارضی موقوف شود بعقیده بنده بهترین لوایح بود که آمده بود بمجلس. حالا که ما میآئیم يك زحمانی متوجه طبقه خاصی از زارعین می کنیم در ازای آن خوب است که دولت هم با ما این معامله را بکنند که مالیت ارضی و اغنام و احشام ملغی شود. در عین حال بنده عقیده دارم که توتون و تنباکو هم باین انحصار علاوه شود مسئله رسومات هم اضافه شود. بالاخره آنچه چیزهای غیر ضروری است در این مملکت دولت هر چه میخواهد بکند و هر تزیینی لازم است بکند ولی آنچه مربوط بعامة است و بالاخره تحمیل بارزاق عمومی میشود بهرحسابی که باشد مالیات بر زراعت گندم و جو تقریباً مالیات بر ارض عمومی است اگر بعضی دقیق وارد شویم در قسمت وصول و ابوالش هم مخارج زیاد است بنده در يك ولایت کوچکی که اطلاع دارم هیجده هزار قبض مالیاتی باید صادر شود تا سی هزار تومان بشود سیصد دینار در دسی شاهی دارد دوقران دارد يك من جو دارد دو من و نیم دارد تا پنج خروار تمام مردم هم تماس دارند نامآوردین دولت هیچکس راحت نیست. حالا اگر از این مالیت يك طبقه خاصی دچار اشکالات ممکن است بشوند ولی در مالیات ارضی و اغنام و احشام تمام مردم مبتلا هستند این است که بنده خواهش میکنم از آقای وزیر مالیه که با ما موافقت کنند آن لایحه اولی خودشان مطرح شود توتون و تنباکو هم ضمیمه انحصار شود این مؤسسه انحصار که دائر میشود همان کار را بکنند که عوارض بیشتری دارد جبران مالیات ارضی بشود. مالیات بر عایدات هم يك مقدار کمی برقرار شود که به بینیم چه درمیآید. همان نظری که قبلا دولت داشت. آنوقت ما هم با این لایحه کاملاً موافقیم گمان میکنم سایر آقایان هم همینطور. حالا بنده اصرار ندارم که امروز بشود ممکن است قبلاً این لایحه را ما رأی بدهیم ولی دولت هم تعهد کند با نظر مادر این باب موافقت کند. بالاخره نظر خودشان

آوردند بمجلس منتها کمیسیون مالیه آنطوری که باید موافقت نکرد. تجزیه کرد. خلاصه انتقالش را علاوه آورد باقی قسمتهایش هم همینطور. مقصود ما این بود که آن لایحه اولی که بنظر ما معتبر است بیارند رأی بدهیم و قسمت جزاری هم در این لایحه يك ترتیبی بشود که اسباب زحمت نباشد

رئیس - آقای مدرس

مدرس - مخالفم

رئیس - آقای تقی زاده

تقی زاده - بنده هم مخالفم

رئیس - آقای دکتر مصدق

دکتر مصدق - مخالفم

رئیس - آقای احتشام زاده

احتشام زاده - مخالفم

وزیر مالیه - اجازه میفرمائید؟ اسمی آقایانی که اجازه خواسته اند خوانده میشود و اغلب مخالف هستند با اصل کسی مخالف نیست.

مدرس - چرا.

وزیر مالیه - خوب فقط جنابعالی با اصل هم مخالفید ولی کسی با اصل مخالف نیست وقتی که وارد مواد شدیم مخالف با اصل و مخالف با جزئیات روشن میشود در این قبیل لوایح همیشه اگر این اظهارات را در روی مواد بکنیم بهتر است چون معلوم میشود مخالفت در کجاست و قابل اصلاح است یا نیست. آقایان باسائی در ضمن اظهاراتی که میفرمودند يك تذکری دادند راجع بلا لایحه مالیات ارضی یعنی الغاء مالیات ارضی و تأسیس مالیات بر عایدات و انحصارها که ما همه را در يك لایحه جمع کنیم این صحیح است منظور سیاست دولت و تصمیم دولت همین است بنده هر وقت اینجا (خاطر آقایان هست) صحبت اصلاح قانون میزی بوده آمده ام و این عرض را کرده ام که نظر اصلی دولت این است ولی البته برای مساعدت با نظر آقایان که این را اینطور اصلاح کنند ما هم مساعدت میکنیم اما ما مصالحت

مملکت و مصالحت کار را اینطور تشخیص داده ایم که باید مالیت بر عایدات برقرار شود و مالیت ارضی و حتی عوایدی که از عمر دیگر هم تا يك حدی حاصل میشود آنها هم باید معاف باشد که بعبارت اخیری الغاء مالیات ارضی از این راه بشود در لایحه سابق هم ما نوشته بودیم که مالیات ارضی مانعی است ولی نوشته بودیم که عایدی از املاک و از چه مبلغ کمتر بهش مالیات تعاق نمیگیرد و روهمرفته وقتی در این مملکت حدت کنید این مثل الغاء مالیات ارضی است برای اینکه اشخاصی که بیشتر از فلان مبلغ عایدی داشته باشند اگر چیزی از این باب بدهند میشود گفت يك استثنائی است. ما با همه اینها موافقیم تریاک را هم معتقدیم که عملاً و اصولاً که باسستی انحصار باشد و هیچ ضررتی هم اتفاقاً در این قبیل انحصار نیست. حتی (این را برای تذکر آقایان بامداد عرض میکنم) آن اشخاصی هم که قائمند که دولت بد تاجر بد عامل و بد مالکی است و بنده خودم هم یکی از آنها هستم و اصولاً هم این عقیده را دارم و در عمل هم هر روزه مشاهده میکنم در قسمت خلاصه ولی آلهائی که این عقیده را دارند و در ممالکی که حکمفرماست این عقیده باز در يك چیزهائی هست که قائل با استثنا میشوند و آن مسائلی است که باید صورت انحصار داشته باشد. در اغلب جاها ملاحظه میفرمائید دخانیات انحصار است چون طبیعت بعضی چیزها يك طبیعی است که فعش از برای جامعه و برای دولت بصورت انحصاری بیشتر میشود و آن معایبی که از عمل مستقیم دولت حاصل میشود در اینجا کمتر میشود. مبنای تحقیق را هیچوقت نباید در روی يك سوء ظنهائی گذاشت. اگر از مأمورین با رضایت داریم که دنبال کار میروند و کار را درست انجام نمیدهند این را نباید اساس قرارداد و انحصار را قائل شد گر زندگی شما روی این اصل باشد نمیشود اینها را باید اصلاح کرد پس به آقای باسائی عرض میکنم که ما از نقطه نظر دولت با این مخالفتی نداریم حتی رفقی کمیسیون قوانین مالیه که امروز عصری جلسه خواسته

بودند برای مذاکره مالیات اربابی بنده به آقایان تذکره داده آقایان هم پذیرفتند که اصلاح مطامع هم در آن لایحه اولی دولت بکنند. اساساً چه عیبی دارد از اینکه يك مسئله باین خوبی را آقایان تعقیب بکنند که پس فردا از کمیسیون قوانین مالیه بیرون بیاید و مالیات ارضی الغاء بشود ولی بنده عرضی که به آقایان بکنم و تقاضایی که از رفقا میکنم این است مطابق تجزیه که ما کردیم هر قدر ما کارها را از هم تفکیک کنیم بهتر است و مقصود واحد را ممکن است بصورت تجزیه هم حاصل کرد از آن جمله لایحه خاصه انتقالی را همانطور که آقایان بکنند تذکره دادند آوردند در مجلس و تصویب شد حالا قسمت الحصار تریاک است این را هم آقایان موافقت بفرمایند پشت سرش هم موافقت بفرمایند قسمت مالیات بر عایداتش را بیاورند الحصار دخانیاتش را هم بیاورند الحصارات دیگرش را بیاورند خودمان لایحه را داده ایم سیاست ما هم هست تقاضا میکنیم شما مساعدت کنید، موافقت ولی اگر امروز بخواهید این را عقب بیندازید و آنها را مخلوط کنید همه را يك مرتبه بیاورید بگذارید این خلاف مصلحت است بنده مخصوصاً از آقایان بکنم که این خلاف مصلحت را فکری نکنند برای اینکه بنده میدانم آقایان موافقت و در موافقت میخواهند اصلاح کنند. این لایحه را بگذارند همینطور باشد لایحه دیگر را بیاورند. آقا فرمودند دولت تعهد کند. دولت از پیشنهاد خودش که تقدیم کرده تعهد نالازی نکند؟ حالا هم عرض میکنم که کمیسیون قوانین مالیه همین امروز عصر و جلسه بعد موافقت کنند هیچ مانع و محظوری از جانب ما در این لایحه نیست و اینهم که در قسمت جزای و جزای فرمودند این قانون بایستی يك موادی داشته باشد بنده تصور میکنم اینجا نظر بهمان مشکلاتی که خودشان اظهار کردند برای اینکه معلوم شود عیب این کارها در چیست باید قبلاً مطلب معلوم شود که آیا اصول بد است و آن اصول را میخواهیم در قانون تغییر بدهیم؟ این که نیست شما

میگوئید طرز عمل بد است. این مطلب اندازه روشن است که هر قدر هم يك اصلی خوب باشد وقتی که رعایت نشد طرز عمل بد میشود. طرز عمل و اینها يك چیز هائی نیست که در قانون بشود درست کرد اینها را باید در ضمن عمل درست کرد شما نظری دارید بفرمائید ما اجرا کنیم. علاوه يك نکته را تذکر بدهم يك قسمت عمده از معایبی که حالا هست با الحصار رفع میشود چون قچق در داخله با قضاة مختلف همه از بین میرود برای اینکه انبار میشود خریدار منحصر میشود قیمت معین است، روشن است مثلاً امروز بالا برود فردا پایین برود قایم بکنیم ببینیم چه میشود یکی دیگر را ببینیم چه میکند اینها از بین میرود، انبارهای منحصری خریداری میکنند. قسمت عمده معایبی که الان هست با الحصار از بین میرود ولی باز اگر آقایان نظری دارید و يك موادی ممکن است تا مین خاطر آن را بکنند پیشنهاد بفرمائید بنده با شما موافقم

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

مدرس - مخالفم

رئیس - آقای مدرس

مدرس - البته در دنیا اغلب چیزها نظیر دارد. نظیر وزرای ما و دولت ما سابق هم بوده است یکی از حکومت های مصر نمیدانم خصیب بود یا کافور قدغن کرد درخت انگور نکارند بجهت اینکه شراب حرام است قدغن کرد اصلاً درخت انگور نکارند. حالا مفاسد مرتبه تریاک محل شبهه نیست اگر میشد این مفاسد مخصوص در ایران رفع میشد خیلی مقصود خیلی خوبی بود اما راهش چیست باید بی راهش گشت که از چه راهی ما موفق شویم که این سم اسباب زحمت نباشد در داخله. عقیده من این است که راهش نکاشتن تریاک در ایران نیست و این لایحه نتیجه اش نکاشتن تریاک است در ایران...

وزیر مالیه - اینطور نیست.

مدرس - حالا حسابش را میکنیم. اگر ما تبادل افکار بکنیم که چه بکنیم که مردم تریاک نکارند اسهل طرق

این است که تاجری که از اینجا میخواهد بیرون برود با اجازه دولت باشد من شرط میکنم که کاری بشود سهولت که امسال که میاید در ایران دیگر تریاک کاری نشود. چرا؟ بجهت اینکه جواز میخواهند از مالیه مالیه می گوید حالا صلاح نیست، دو ماه دیگر، سه ماه دیگر، چهار ماه دیگر، تاجری که ده هزار تومان، صد هزار تومان تریاک خریده پنج ماه که جوازش را عقب بیندازند ده هزار تومان که بهش ضرر خورد دیگر همچو تریاک را نمیخورد که محتاج اجازه مالیه باشد. تاجر که بخرد زارع هم نمیکارد بسیار آن کسی که قوه عاقله این فکر کرده است خیلی قوه عاقله متین بوده است و يك طریق خیلی آراه بی صدائی بی صدائی است به زارع خودم اگر بگویم چرا تریاک نکاشتی میگوید تاجر نمیخورد دولت نمیخورد. حالا آمدیم سر دولت. در یکی از دهات موقوفه در ورامین پنج شش من تریاک داشت بمار جوع کردند گفتیم ما اولاً تابع قانونیم ثقل بکنید دزدی نکنید همان که بر میدارید ببرید قوی انبار چون همین جور است که در امور دینی شخصی باید مقید باشد در قوانین مملکتی هم باید مقید باشد گفتند در دسر دارد چکار کنیم؟ گفتیم يك کاغذی مینویسیم. کاغذ نوشتیم باین مالیه آنجا که از قرار است که تحقیق کرده نیشناسم شخصش را لیکن آنچه تحقیق کردم مرد درستی است و خیلی تعجب کردم که آدم باین خوبی در مالیه پیدا شده. این هم از عجایب شد. نوشتیم این تریاک مال موقوفه است کاری کنید که اسباب زحمت نشود انبار داری و واسطه و امثال اینها در بین نباشد کاغذ را که بردند جواب نوشته بود چشم ولیکن هنوز خریدارها معین نشده. من این را نفهمیدم که خریدار معین نشده است یعنی چه. رفتند و تریاک را گذاردند و آمدند گفتند خریدار معین نشده گفتیم خریدار معین نشده یعنی چه؟ گفتند خریدار باید با اجازه باشد دو نفر سه نفر اجازه میدهند از طهران که تریاک بخرد، در هفته ما در آنجا بودیم خبر برای ما آوردند که ما تریاک را فروختیم این مالیه هم عالمقامی کرد قدغن کرد که دیگر در انبار

معلول نمانند که باید انبار نگیرند کسی واسطه نشود خودشان مستقیماً فروختند چند؟ نوز ده تومان بیست تومان. ما گفتیم بیست و هفت هشت تومان است گفتند دیگران میخریدند اما اجازه نداشتند. ولی آهائی که بالخصوص اجازه داشتند بیش از این نخریدند. هنوز قانون نگذشته است! عرض میشود هیچ طرفی برای اینکه تریاک کاشته نشود بهتر از این راه نیست ولی من متأسفم که ما چرا تجربه نمیآموزیم. چرا در دهن ما آمد که مالیات ارضی رد داشته شود؟ بجهت این است که دولت که این کار را میکند آن اندازه که از مردم گرفته میشود عاید خودش نمیشود و زحمتش هم بر مردم زیاد است از اینجهت گفتیم مالیات ارضی را تبدیل کنیم بجزئی بهتر. لایحه نمک در دوره اول مجلس گذشت...

بعضی از نمایندگان - در دوره دوم.

مدرس - دوم. ما در اصفهان بودیم يك مأموری از طهران آمد با قوه مجریه که مالیات نمک بگیرند. گفتند رأی مجلس است ما گفتیم میدانیم رأی مجلس است اما قوه عاقله اش کی بوده است؟ گفتند صنایع الدوله بوده است و رأی مجلس. حساب کرده اند ایران سی کرور نفوس دارد هر یک نفری یکقران بدهد سالی سه کرور میشود مداخل از این سهلتر؟ بی زحمت تر؟ که هر يك نفر آدم يك قران بدهد سه کرور عایدی پیدا میشود گفتیم این مسئله اشتباه شده بواسطه آن که سی کرور نفوس ایران نفری يك قران بدهند سه کرور میشود حیوانات هم نمک میخورند این را ملتفت نبوده اند اگر آنها هم از بابت نمک بدهند افلاصت کرور حیوانات در ایران نمک میخورند در فصل علف پس اگر چنانچه آنها را هم اضافه کنند سالی نه کرور عایدات داریم. بان شاهزاده مقدس که مأمور این کار بود گفتیم این عملی نیست اشتباه شده است در ایران نمیشود مالیات برش بست. گفت مسئله نیست نفری یکقران. گفتیم مطیع هستیم حکم مجلس است. شروع کردند اداره کردند آخرش اداره محترم خودش منحل شد قرآه لی الله

آمدند اداره نقلیه درست کردند آنچه بوزرای پست و تلگراف گفتیم که ضرر دارد دولت نمیتواند کاری درست کند. دولت در مملکت حافظ باید باشد اگر میخواهد مالیه پیدا کند باید از نفع یعنی چیزهایی که مردم پیدا میکنند بگیرد و خودش نمیتواند چیزی پیدا کند. آمدند اداره کردند بعد از جان کشدن و حساب کردن می بینند چقدر ضرر شد. اداره اوراق چیزی بهتر از این میشد؟! خیلی هم خوب اداره بود امروز در طهران با این قیمت گندم مردم نان را با بیک من سی شاهی بخورند و همین دلیل است که دولت نمی تواند خودش اوراق را اداره کند ما آمدیم اداره نخبه درست کردیم. بعقیده بنده کشیدن تریاک یکی از گناهان کبیره و حرام است. این عقیده من است و مکرر هم گفته ام. و این يك چیزی است که ضرر دارد و به عقیده بنده کسی را که تریاک میکشد باید تعذیر کرد.

حالا آمدیم سر اداره نخبه. وقتی که این اداره را می خواستند درست کنند من همان وقت گفتم که این کار عملی نیست و دولت نمیتواند این کار را خوب اداره کند. آمدند حساب کردند سال اول هشت عباسی نه عباسی و به تصور اینکه تریاک کشیدن موقوف خواهد شد. آمدند و هی زیاد کردند. نتیجه این شد که کشیدن تریاک موقوف نشد و جز زحمت برای مردم چیزی تولید نکرد فقط نظر دولت این بود که مداخلی ببرد حالا هم عرض میکنم. التماس میکنم که از این کار صرف نظر کنید زیرا دولت نمی تواند این کار را اداره کند. دولت باید مالیه لاحتیاج خودش را از عایدات مردم بگیرد اما اگر نخواهد خودش عایدات پیدا کند نمی تواند. اگر دولت بخواهد دلال یا ناچر یا کاسب بشود جز اسباب زحمت چیز دیگری برای مردم نخواهد بود. دولت در این جاسه مقصد دارد و اگر آقایان اجازه بدهند و توجه بفرمایند بنده این سه مقصد را انجام میدهم بدون اینکه زحمتی تولید شود اول پول که اساس این مسئله است تامین میشود. الان از هر صندوق تریاک که ۲۵ من وزنش است هر وقتی که

بیرون میخواهند ببرند صدویست تومان میگیرند این را با تصویب تجاری که اهل خبره هستند تحدی که نظر اقتصادی نداشته باشد ممکن است علاوه کنند بطوری که مانع صدور نشود و همانطوریکه شهزاده گفت پول کم است و باید زیاد شود از این راه تامین خواهد شد و ممکن است سیصد تومان گرفته شود. این چیزها را ما میدانیم تجار و اهل خبره اینها را می دانند و نرخ بازار دستشان است و نظر آنها تا حدی که به کشت تریاک و صدور آن زحمت وارد نیاید به قیمت صندوق میشود اضافه کرد. بنده با اینکه اطلاعاتی ندارم و کاسبش نیستم ولی وقتی که بازار چین و امثال آنرا می بینم قدری اطلاع پیدا کردم. حالا يك مثلی برای آقایان میزنم وقتی که بنده از نجف میخواستم ایام آقای صدر فرستادند پیش من رفتم خدمتشان. بیست تومان پول چرخی و ده تومان کرده قدیمی آقای صدر رحمة لله علیه من دادند و گفتند این بیست تومان مخارج نازمانی که داخل عراق هستی و برای سوقاتی که می خواهی بگیری و ببری و این ده تومان مال مخارج در ایران. زیرا اگر بخواهی این ده تومان در عراق خرج کنی چون هر قران يك پول کسر درد و صد تا پول فرق می کند و این ضرر اقتصادی دارد. حالا ما طالب اقتصادیم و میخواهیم يك پول زیاد تری از خارجه در مملکت ما بیاید. البته باید به اقتصادیات پرداخت ولی این کاری که شما میخواهید حالا بکنید راهش نیست و این تعمد و دورسر گردندن است. راهش این است که بنده گفتم آقای حاج امین التجار میدانند شما اگر با نظریه ایشان بر قیمت صندوق بیفزایید مبلغی عایدی پیدا خواهید کرد. من خاطرم هست در سی چهل سال قبل کاشتن تریاک خیلی نادر بود و فروش آن منحصر به عطارها بود. کم کم بازار پیدا کرد برای این که طالب پیدا کرد و فائده داشت. و این منافی است که برای ما فائده دارد و بازار دارد. ولی حالا دیگری می خواهد این را از دست ما بگیرد. بنده عرض میکنم که اگر باین منافع سکنه وارد آمد و دیگران از دست

ما گرفتند تا دو باره باز رواج پیدا کند و بازار پیدا کند رواجش مشکل تر از وکالت مجلس شورای ملی خواهد بود. پس اگر پول می خواهید و (البته دولت پول می خواهد) و بدیهی است که از مردم نباید گرفته شود. بر قیمت صندوق یا تصدیع اهل خبره و مطالعین (آقای حاج امین التجار و غیره) بیفزایند راه این قسمت این است. اما آمدیم در قسمت دیگر دایه مهربان تر از مادر چیز غریبی است. می خواهید مردم این سم را استعمال نکنند راهش این نیست بلکه طریقتش همان است که عقلا در جلو گیری آن بکار برده اند چه عقلائی دنیوی و چه عقلائی اخروی. و آن هم مجاز است. تبریز. خسته کردستان مازندران و کیلان مگر تریاک میکشند؟ دولت که دلش برای مردم میسوزد خوب است يك کارهای دیگر بکند این واضح است. آنجا هایی که تریاک ندارد نمیکشند و آنجا هایی که دارد خدا میداند اگر دولت شدیداً ممنوع کند و مجازات کند دیگر کسی نمیکشد. همه مقصود دولت این است که پول پیدا کنند. اگر مقصود جلوگیری است خوب است دوا خانه بجای درست کند اعلان بکند دکترها را و ادار کنند که مجاناً معالجه کنند. آنجا ها که تریاک کاری است آنجا ها را قدغن کنید. آن هم با این وسائل. این يك کاری است که مرور کم کم باید بشود و الا بکمترتبه نمیشود کشت تریاک را منع کرد. این کار با انحصار درست نمیشود و مقصود حاصل نمیشود. يك وقتی ما در کرمانشاه بودیم (چون دولت آنجا بودیم) گفتند اینجا تریاک کس دارد. آقای آقا سید یعقوب شاید خاطرشان باشد گفتند اینجا باینکه تریاک زیاد دارد معهذا اداره نخبه مفتش ندارد نمجب کردیم که چطور شده. بعد معلوم شد اداره صحیه دارد. گفتند نجار که برود نوي خانها نجاری میکند. کسی درست میکند دسته تیشه را سوراخ کرده تریاک توش گذاشته و قاچاق کرده و هکذا انواع و اقسام قاچاق. الان هم درهرشهری که شما ملاحظه کنید قاچاق هست بنده میدانم تریاک این مفاسد را دارد و بد

اخلاقی را زیاد میکند و بنده هم موافقم که حفظ نسل را باید بعمل آورد و بهر نحوی که هست این مفاسد را باید رفع کرد. اما چنانچه عرض کردم راهش این نیست اما آمدیم سر آن چیزی که خیلی مهم است. نقل آن پیرزن و کلاغ و خربدار را باید عرض کنیم. چون در جامعه و دنیا مسئله تریاک خیلی عنوان دارد که دول بزرگ هم در این مسئله قدم هایی برداشته اند و می خواهند ما هم برداریم. بنده کابلاً موافقم که دنیا در این مسئله وارد مذاکره شود و این سم را از میان برفی نوع بشر بردارد و البته باید این کار را کرد. لکن قضیه ما حکایت مثل معروف است. دوتفر باهمدیگر راه میرفتند جلوئی دولا شد و يك چیزی از زمین برداشت عقی گفت بیداز گفت بیدازم که تو برداری. از ما میخواهند این قدم را برداریم و تریاک را موقوف کنیم آنها چرا اول بر نمیدارند آنهائی که از ما در همه چیز بزرگ ترند! جلیل ترند. بزرگوار هستند و ما همه چیز از آنها یاد میگیریم آنها چرا بر نمیدارند - این قدم اول حق آنها است که بردارند نه ما. ما باید به بینیم آنها چه میکنند. امروز ما باید مقتضات و مصالح اقتصادی خودمان را در نظر بگیریم و این يك چیزی است که از حیث صادرات برای ما اهمیت دارد. تصدیع این لایحه و منع کشت تریاک صد هزار درجه ضررش برای اقتصاد مملکت ما زیادتر از کشیدن تریاک است. این است که بنده با مقاصد دولت همراهم لکن نه به این طریق که پیشنهاد شده وزیر مالیه - اساس تنقید نماینده محترم از این لایحه این بود که زراعت تریاک ضرر میسازد...

مدرس - برای مردم زحمت دارد.
وزیر مالیه - و عقیده شن این است که يك راه بی سر و صدائی است برای موقوف کردن زراعت تریاک از فرمایشات ایشان و هر کسی که بایشان هم عقیده است این طور استنباط میشود و اینطور عقیده دارند که با این لایحه انحصار زراعت تریاک از بین میرود. بنده خودم این مسئله را خدمت آقایان عرض کردم که ما در مقابله يك اشخاصی و يك سیاست های عمومی که از عقایدی

راجع به منع کشت ترباک دارند و می خواستند با ما داخل مذاکره شوند سیاست و مصلحت مملکت خودمان را بطور خیلی روشن و واضح با آنها فہمائده ایم. این اولایک چیز مشترکی است و چیزی نیست که منحصر بیک دولت باشد. ما بیچ وجه نمیخواهیم به زراعت ترباک وزارت ترباک و فروشنده ترباک ضرر زنیم. و اینکه آقا میفرمایند ترباک را دیگر نمیخرند و وقتی که مسئله جواز شد دیگر کسی صادر نمیکند این از دو حال خارج نیست یا این است که حضرت مستطاب عالی درست اطلاع نداری از جریان امور زیرا اگر اطلاع داشتید باید بدانید که همین الان برای خروج ترباک جواز لازم است و حقوق گمرکی میبدهد خوب است در قضا با قدری دقت بفرمائید نه از ما جواز میگیرد بلکه باید جواز تحصیل کند از آن ملکیتی که میخواهد ترباک را در مملکت او بفروشد. شما استشهد کردید به حاج امین التجار بنده هم بایشان استشهد میکنم و اگر ایشان از نقطه نظر همکاری بخواهند عقیده واقعی خودشان را اظهار نکنند و عرایض بنده را تصدیق نکنند آن امر دیگری است.

مدرس - این طور نیست بنده از ایشان پرسیده ام وزیر مالیه - ما باید به بینیم امروز اشکال وضعیمان از کجا است. ملاحظه بفرمائید شما وقتی که ما را مکلف کردید که ترباک را بخریم و وسایل تحصیل ترباک و فروش آنرا بدست آوریم دلیل ندارد که زارع از فروش ترباکش باز بماند. مثلی هم که آقا زدند اگر برای شوخی و مزاح باشد خیلی خوب است.

مدرس - الان میروند تو انبار. وزیر مالیه - این مثلی را که شما زدید فرمودید رئیس مالیه و رامین به شما پیغام داده و گفته که مشتری هنوز معلوم نیست و از او تعریف و تمجید فرمودید این مرد احمقی است بنده از این جا داد میزنم که این مرد احمقی است. مگر مشتری را مالیه معین می کند پس خوب است آقا تحقیق کنید به بینید قضیه چه بوده است شاید یک موضوع دیگری بوده و الا مشتری را مالیه

ببند نمی کند. مطابق قوانین فعلی و قواین عادی مالیه در امر ترباک نظارت دارد ولی ترباک خر و ترباک فروش را مالیه معین میکند. منتهی بعد از این مشتری این ترباک خود دولت خواهد بود و دیگری نیست شما مسئله ارزاق را ملاحظه کنید مگر چند سال نیست که مشتری ارزاق خود دولت است؟ و خودش اداره میکند خوب این چه عیبی دارد؟ بنده الان بشما نشان میدهم که در آن نقاطی که ما الان میخواهیم اداره ارزاق را برداریم بما کاغذ نوشته اند اصرار و ابرام دارند که باقی باشد و برداشته نشود.

مدرس - امضاء کنند را بفرمائید. وزیر مالیه - امضاء کنند همه مردم. شما آقا خوب است تحقیق کنید. بفرسید. الان همه روز ما کاغذ میرسد که ارزاق را منحل بکنم ولی بنده موافقت نمیکنم می خواهم بردارم. چرا آن ها این طور اصرار دارند برای اینکه برای آنها نفع دارد...

مدرس - مردم همچو تقاضائی را ندارند. پررورز من آنجا بودم.

وزیر مالیه - اگر امروز اداره ارزاق در طهران نبود تصدیق بفرمائید که مسئله گندم و نان شهر مترازل بود و در سنوات بعد زارع و مالک بیست و سه تومان بیست و دو تومان هم گندم گیرشان نیامد. سالهای خوب شاید یک قدری ارزان تر از این قیمت فعلی بود ولی از آن طرف در سالهای بد سی تومان خواهد بود. و امروزه یک نرخ ثابتی دارد که معین است و مرده هم راضی هستند ولی اگر نشود گندم را بحال خودش ول کنند مترازل میشود بنده الان گندم را همان بیست و دو تومان میخرم در سالهای بعد هم بهمین قیمت میخرم.

مدرس - الان نمیخوری. وزیر مالیه - خیر میخرم. این ترتیب خیلی خوب است. زارع ضرر نمیکند. نان خور هم ضرر نمیکند. آقا در قضا باید حقایق را ملاحظه کرد. مسائل را باید درست در نظر گرفت و حقایق را دید ملاحظه

بفرمائید همین ترباک وقتی انحصاری شد خریداری منحصر بدولت میشود مردم هم چون بیکارند خیلی بهتر و بیشتر میکنند چرا برای اینکه امروز که آزاد است ممکن است مترازل باشد و قیمتش معلوم نباشد. ممکن است آنهایی که ترباک میخرند هم خودشان را بر این مصروف کنند که کلاه زارع را بر دارند. زیرا نفع آنها مستلزم همین کار است و اگر کلاه زارع را بر ندارند فائده نمیبرند. این ها همیشه از دلایلی ترباک فائده میبرند اند این ها هر قدر از زارع و مالک ارزانتر بخرند بیشتر فائده میبرند ولی وقتیکه امر منحصر بدولت شد من این کار را نخواهم کرد. من بایک قیمت معین و ثابتی معامله خواهم کرد. از این جهت زارع بیشتر خواهد کاشت. زارع ترباکش را بمن میدهد و پولش را میگیرد.

اما مسئله صدور و خروج که آقا فرمودند در این موضوع هم بنده از آقا نمنا میکنم درست دقت بفرمایند زیرا نقطه حساس قضیه این جا است. آقا میفرمایند دولت خودش نمی تواند چیزی ایجاد کند و از نفع او دولت عایدات بگیرد. بنده تا اینجا کاملاً باشما موافقم اما درین موضوع من چه میگویم؟ میگویم این یک چیزی است که دیگری نمیتواند ایجاد کند. باز استشهد میکنم به آقای حاج امین التجار و عرض میکنم امروزه حاج امین التجار و آقای بهبهانی و آقای کازرونی (اما نه کازرونی وکیل) کازرونی ناچر و شوهری. این سه چهار نفر با اینکه در این مملکت ناچر مهم ترباکند معذالک قدرت ندارند.

مدرس - چرا ندارند؟ وزیر مالیه - اگر دارند تکذیب کنند نمی توانند و آن قدرت را ندارند که استفاده کنند ولی بنده استفاده میکنم دلیل من هم این است که الان کنترات بیست ساله که تقاضا شده در کیف من است. این را کی تقاضا کرده اداره انحصار هند و چین و سیام. و این دولتی که مصرف ترباک دارد این تقاضا کرده اند. بنده میفروشم او میخورد

مدرس - چرا. وزیر مالیه - چرایش را خودشان بهتر میدانند اگر نمیدانستند این تقاضا را نمیکردند. سیام و کلنی های دول اروپائی و آنجا هائی که مصرف ترباک دارند این تقاضا را از ما کرده وی خواهند طرف معامله واقع شوند و این بدیهی است که من که دولت هستم بهتر میتوانم معامله کنم تا دیگران. من قدرت دارم. عوامل دارم. احتیاج ندارم به اینکه اگر بانک شاهنشاهی اعتبار مرا بفتح روز کم کرد دست و پایم بلرزند. بانک شاهنشاهی هر غلطی دلش میخواهد بکند. من از میدان در نمیروم اما در مورد تجار این طور نیست. خوب تجار چکار میکنند زره و زنجیره تجار مملکت شما داغون شد. برای اینکه بانک با آنها اختار کرد که من اعتبار ترباک شما را قبول ندارم ورد میکنم. باین حرف دست و پای تجار لغزید مطلب این جا است تمام اطراف مسائل را باید سنجید آنوقت حرف زد. ما مشرقها بین صفت معروف هستیم که همیشه یک منفعت آنی امروز را نگاه میکنیم. و به نفع کم قانعیم و هیچوقت منافع آتیه خودمان را ولو اینکه زیاد هم باشد نگاه نمیکنیم و در نظر نمیگیریم. برای نفع زیاد بردن یک قوائی لازم است. که اگر انحصار باشد من فایده میبرم و برای افراد هم ضرر ندارد. فائده دارد. شما اگر عقیده دارید حالا از هر صندوق ترباک سیصد تومان بگیرند آنوقت هزار تومان میگیرند از دو هزار تومان من هزار و هشتصد تومان میبرم. ولی طرف نمیتواند ببرد. من میخواهم راه ایجاد کنم بنوعی که طرف هم ببرد من هم ببرم ما اگر میخواستیم تمام جزئیات را در اینجا بنویسیم میشد من لان ماده شش را میخوانم ملاحظه بفرمائید.

ماده شش - دولت مجاز است جواز صدور ترباک برای تجارت خارجه را در مقابل پرداخت قیمت جواز صدور بتجارت بدهد و همچنین دولت می تواند فروش ترباک مصرف داخلی را بموجب اجازه مخصوص بوسائط داخلی واکگذار نماید قیمت جواز صدور برای

۱۳۰۷ از تاریخ ابلاغ این قانون تا ۱۵ روز و از اول ۱۳۰۸ بعد در فروردین هر سال از طرف دولت معین و اعلان خواهد شد.

این را ما برای چه نوشتیم. این جواز صدور را برای چه در این جا ذکر کردیم. برای اینکه ما حساب کردیم و دیدیم در انحصار همان منظوری را که داریم حاصل میشود و ممکن است با این ترتیب هم جواز صدور تریاک بدست حاجی امین التجار بدهیم و همان تفاوتی هم که آقا فرمودید عادلانه است. و اینکه قیمت جوار را هر ساله دولت معین می کند برای این است که هر ساله ممکن است کم و زیاد شود. و این را که تعیین کرده ایم برای این است که ممکن است هم غیر مستقیم عمل کنیم و هم بطور مستقیم. اگر لازم باشد خودمان مستقیم عمل کنیم. ولی در آنجائی که بتوسط واسطه عمل کنیم اگر صرفه داشت قیمت جواز را بهر طریقی که نفع داشت تغییر میدهیم. مگر قند و شکر انحصار نیست و اختیاراتش در دست ما نیست. تا بحال انحصار قند و شکر بصورت جواز بوده و برای ما احتیاج پیدا نشد که بصورت دیگری در بیاوریم. تاجر می آید و تقاضا میکنند و ما هم جواز میدهیم. پس باید تمام اطراف کار را سنجید این مسائل منحصر بیک چیز نیست در بردن منفعت باید قوارا هم سنجید تنها منفعت بردن بارزان فروختن نیست.

زیرا برای بردن فائده قوه لازم است. اگر ممکن بود منافع بزرگ را همه ببرند هیچکس بی منفعت و کدای نمیشد این که مردم گدا میشوند و بانه نفع کم میسازند برای اینست که همه کس نمیتواند منافع بزرگ ببرد در دنیا نفع بزرگ بردن مستلزم داشتن بیک چیزهایی است که باید همه آنها در بیک نفر جمع باشد تا بتواند فائده هنگفت ببرد. مثلاً در کار تریاک اطلاع لازم است بصیرت میخواهد؛ توانائی و قدرت می خواهد صبر و طاقت و مقاومت میخواهد. همه اینها باید جمع باشد تا عوض صد تومان با دو بیست تومان که ما امروز میتوانیم از هر صندوق تریاک فایده ببریم هزار تومان ما بیشتر فایده ببریم. اما راجع به مصرف

داخلی البته مجازات بک چیزی است که همیشه خیلی مؤثر است بواسطه بک وضعیاتی که در مملکت ما هست زراعتش را امروزه با این ترتیبی که داریم نمیشود بک دفعه بطور کلی قطع کرد و از کشت آن جلوگیری کرد. ما هم نمیکشیم این کار را بکنیم. فرض میکنیم و بلاز میرویم که بک روزی میخواهیم این کار را بکنیم در صورتی هم که چنین خیالی داشته باشیم بکی از طرق مؤثره همین است که بدست دولت باشد و قیمتش را گران تر بکنیم تا مردم کمتر بکشند. البته هر چه ارزان تر باشد و مفت تر باشد مردم بیشتر میکشند. چنانچه در این چند ساله حساب کشید در اصفهان کشیدن تریاک زیاده شده و در آذربایجان نشده چرا؟ برای اینکه در اصفهان ارزانتر شده و در آذربایجان گران تر. پس اگر قیمت را گران تر کنید کشیدنش مشکل تر میشود. و در صورت انحصار دولت چون میخواهد بک نفع خوبی ببرد قیمت تریاک گران میشود و کشیدنش مشکل میشود و در نتیجه تریاک کش ها به مضیقه می افتند

مدرس - قاچاقچیها چگونه؟

وزیر مالیه - موضوع قاچاق و قاچاقچی علیحده است. ربط موافقت و مخالفت با این لایحه ندارد جلو قاچاقچی را بوسایل دیگر باید گرفت و الا شما هر طور تریاک را اداره کنید قاچاقچی خواهد بود. این درد دواى خاصی دارد و الا نمیشود گفت که این ترتیب انحصار نباید باشد برای اینکه قاچاقچی در کار است. هیچ کاری بی خلل نیست شما هر کاری را که خوب فرض می کنید و هر چیز بهتری را که فرض کنید باز بک خللی درش ممکن است باشد. قاچاقچی را باید بوسیله مجازات از بین برد آن راه علیحده دارد. و راهش همان است که ماده واحده در کمیسیون عدلیه گذرانده اید و جلوگیری کرده اید از راه موادی که فردا وزیر عدلیه این جا مطرح خواهد کرد باید جلو قاچاق را گرفت. اما روی هم رفته چیزی که خیلی اساسی است و کاملاً باید در نظر داشت در مقصود است بکی اینکه چنانچه عرض کردم هیچو خیالی

ندارد که با این لایحه انحصار جلو کشت تریاک را بگیرد نیت دولت این نیست. و این لایحه انحصار هم ابدأ جلو مالک و زارع تریاک را نخواهد گرفت بلکه تأمین میکنند و منفعت مالک و زارع را بیشتر کرده و بالا میبرد. الان بک مشت مردمی هستند که باین وسیله اعاشه و زندگانی می کنند و آن خرده باها هستند. این جور اشخاص قطعاً از بین نمیروند بلکه بر خلاف عوض اینکه فلان تاجر این کار را بکند ما خودمان بطرز بهتری خواهیم کرد و عوائد این خرده باها هم زیاد تر میشود. فقط بیک عده اشخاص معدودی ممکن است بک صدمه خیالی وارد اید آنهم آنی است و برای بک اشخاص معدودی است این نمیارزد که ما بک قضیه مهم مملکتی را بگذاریم کنار درش دقت نکنیم از پیش نبریم برای بک همچو چیزی بنده از آقایان تقاضا میکنم که اصلاحات هر چیزی را پیشنهاد کنند اما اصل را از بین نبرند این اصل برای این مملکت مجاری ترقی و توسعه اساسی است شما تا عابدی برای این مملکت درست نکنید نمیتوانید بک قدم بردارید جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

تقی زاده - بنده مخالفم با کفایت مذاکرات

رئیس - آقای تقی زاده

تقی زاده - البته آقایان میدانند که این بک لایحه مهمی است و بقدر کافی باید نظریات مختلف درش گفته شود با نظر بنده خیلی از نکات و نظریات هنوز گفته نشده است و البته بک چنین لایحه مهمی که میخواهد

بگذرد زیاد نیست که هفت هشت نفر موافق و مخالف درش حرف بزنند لایحه باین مهمی لازم نیست در بک جلسه بافاصله چهار ساعت تمام شود پس از آنکه همه نظر ها گفته شد و توضیح شد بعد اگر اکثریت مجلس رأی داد البته با بصیرت کاملتری رأی خواهیم داد لهذا بنده عقیده ام این است که مذاکرات کافی نیست و باید مذاکره شود رئیس - آقای رفیع

رفیع - بنده آقای تقی زاده را متوجه میکنم باینکه مذاکرات در دو موقع کافی است یکی در موردی که لایحه اهمیت ندارد مذاکرات کافی است بکی هم در وقتی که بک لایحه اهمیت دارد. آقا میدانند که این لایحه از لوازم مهم است و مدنی هم هست که ما در زمینة این لایحه حرف زده ایم و آقایان مخالف و موافق صحبت داشته اند این اصل برای ما محرز است که هیچیک از وکلاء حاضر نیستند که زراعت تریاک در ایران از بین برود هیئت دولت هم حاضر نیست و هر وقت که بخواهند بک همچو کاری بکنند تمام مجلس با آنها مخالفت خواهد کرد پس حالا که در این لایحه به اندازه کافی در کلمات صحبت شده و مذاکرات کافی شده است بهترین است داخل در مواد بشویم پیشنهاد بدهیم و مذاکره بکنیم و قانون را بگذرانیم.

رئیس - چون عده برای اخذ رأی کافی نیست اجازه میفرمائید بماند برای جلسه بعد.

(مجلس مقارن ظهر ختم شد)